

اسلام سیاسی و موج  
جدید پناهندگی

فرشاد حسینی

اسلام سیاسی بمثابة جنبش تسلیح یافته ارتجاعی و اسلامی برای کسب قدرت سیاسی یکی از فاکتورهای پناهنده زایی در خاورمیانه، آسیا و شمال آفریقا است. مناطقی که بعنوان کانونهای اصلی تولید پناهنده در دنیا شهرت دارند. بیش از هفتاد درصد جمعیت ۵۰ میلیونی پناهندگان و آوارگان دنیا را فراریان این جنبش ها و ارتجاعی اسلامی تشکیل میدهند. جنبشی که تمام بقای تکنونی ش را با خشونت و سلاح و نظامیگری حفظ کرده است. بحران اخیر پناهندگی در شمال آفریقا (سودان و نیجریه) که باعث خانه خرابی و آوارگی و خشونت‌های مذهبی و قومی برای دهها هزار نفر گردیده بار دیگر ماهیت ویرانگر و ضدانسانی این جنبش را به زمختی هرچه تمامتر بنمایش گذاشته است. این خشونت‌ها و جنگ‌های قومی مذهبی امروزه به یکی از جلوه های تضاد و ابهامات موجود در مناسبات بین المللی تبدیل شده است. هر چند که خبرهای بحران پناهندگی در سودان و نیجریه تنها بشکل تیترهای خبری در بین خبرهای خارجی رسانه های غربی عنوان شده اما رسانه های غربی به نسبت ابعاد

2 ←

مرگ یک پناهجوی مبارز در  
بلژیک

کیوان آذری ← 2

## روی خط همبستگی

از میان نامه ها

728 ←

## گروگانگیری از نان پناهجو ممنوع

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد آلمان

4 ←

## مدالی برای اسلام سیاسی

مینو همیلی ← 5

مروری بر بازداشتگاه‌های جهانی  
پناهجویان

فرشاد حسینی

627 ← (قسمت دوم)

## کمپین ما و کنفرانس آنها

علیرضا از ترکیه

3 ←

## همبستگی هفتگی

سه شنبه ها

منتشر میشود

سرمدیر: فرشاد حسینی

شماره تلفن:

0031 613 940 534

ایمیل:

farshadhoseini@yahoo.com

## تنها بجرم زن بودن



نازیلا محمد زمانی

مصاحبه رادیویی رادیو سازمان  
زنان زحمتکش ترکیه با نازیلا  
محمد حسینی زمانی

مصاحبه زنده رادیویی سازمان  
زحمتکش ترکیه (EKB) با نازیلا  
محمد حسینی زمانی. پناهجوی  
متحصن در آنکارا و فعال فدراسیون  
و عضو سازمان آزادی زن.

4 ←



منصور حکمت

با سرکوب خونین انقلاب ایران و تحمیل یک زندگی فوق ارتجاعی به مردم، دهها هزار انسان گریخته از دست جمهوری اسلامی، تنها و بدون تشکل راهی بسوی امنیت و آرامش در ورای مرزهای ایران می جستند. متشکل کردن این موج عظیم انسانی حول مدرن ترین و انسانی ترین دست آورده های بشری، دفاع بی قید و شرط از حق پناهندگی مردم ایران و قرار دادن این مردم در کنار مبارزات انساندوستانه و کارگری در غرب علیه راسیسم، فاشیسم و نابرابری اجتماعی، ایجاد سازمانی غیرحزبی و فرامحلی، بدون در نظر گرفتن ملیت، مذهب، جنسیت و تعلق تشکیلاتی را به یک ضرورت فوری تبدیل می کرد. همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پاسخ منصور حکمت به این ضرورت بود.

بقول او: "همه داستان زندگی ما تغییر زندگی انسان است."

## مرگ یک پناهجوی مبارز در بلژیک



مرحله دوم که خود را معرفی میکند جواب منفی دریافت میکند در ماه قبل دعوت به انترویو می شود وی برای تکمیل کردن مدارک و فیلمهای و عکسهای خود در تحصن به طرف بروکسل حرکت میکند که در ایستگاه آنتورپن دوچار سکنه قبلی شده و قبل از رسیدن به بیمارستان جان میسپارد فرزندان او یک دختر 16 ساله و یک پسر 14 ساله میباشد در حال حاضر در شهر سنتی نکلاس با مادر خود در خانه سوسیالی زندگی می کنند

**همبستگی در گذشت ناگهانی جبار مهدی پوریان پناهجوی مبارز را به کلیه اقوام فامیلها و دوستان و همزمانش صمیمانه تسلیت گفته و امیدواریم کلیه پناهجویان در بلژیک بتوانند از ثمرات مبارزات جبار برای یک زندگی بهتر برخوردار شوند**

یادش برای همیشه گرامی باد

وی به خاکسپرده می شود جبار مهدی پوریان در سال 2000 به همراه همسر و دو فرزند خود وارد کشور بلژیک می شود و در کمیساریای این کشور اعلام پناهندگی سیاسی میکند ولی تقاضای او و خانواده اش مورد پذیرش قرار نمی گیرد بعد از طی کردن پروسه های طولانی و نگرفتن جواب در سال 2003 به همراه 250 پناهجوی دیگر در دانشگاه یو ال بی دست به تحصن و اعتراض به جمهوری اسلامی و سیاستهای راسیستی دولت بلژیک می زند و در نهایت در کلیسای مینیم دست به اعتصاب غذا می زند در

روز پنجشنبه مورخه 6 ماه مه جبار مهدی پوریان یکی از پناهجویان متحصن در دانشگاه یو ال بی و کلیسای مینیم در اثر فشارهای شدید شرایط پناهندگی در بلژیک در اثر سکنه قلبی در سن 42 سالگی درگذشت جبار در آن روز جهت تهیه مدرک مورد نیاز که کمیساریا از وی خواسته بود به طرف بروکسل حرکت میکند ولی در ایستگاه قطار آنتورپن دوچار سکنه قلبی شده و قبل از رسیدن به بیمارستان فوت میکند روز چهارشنبه مورخه 12 ماه مه با شرکت پناهجویان در شهر سنتی کلاس محل اقامت نامبرده و خانواده

بجا گذاشت. شرمسار از وجود جنبشها و تفکرات و اینولوژیهای که چنین بلاهای تکان دهنده ای بر سر انسانها آورد. و برای تمامی قربانیانش، برای تمامی آوارگان و پناهندگانش برای تمام زنان و کودکانی که از بی دارویی و بی غذایی و نبود یک سرپناه و یک پتو جان و زندگی خود را از دست دادند اشکها خواهند ریخت.

**اسلام سیاسی و....**

فجایعی که در شرف وقوع است، توجه و تمرکز کمتری به این واقعیات هولناک در این کشورها انجام داده اند. تیترا خبرها بسادگی معطوف به این شده است که طی دو هفته اخیر جنگهای مذهبی بین جریانات اسلامی و مسیحی در نیجریه ۳۰۰۰۰ پناهنده و آواره بجا گذاشته است. در انتهای خبرها نیز هشدار سازمانهای امدادسانی مبنی بر امکان مرگ هزاران پناهجو و آواره بدلیل کمبود امکاناتی نظیر چادر، سرپناه، غذا و دارو را گنجانده اند. اینکه این گانگسترهای عمامه بسر اسلامی در صحراهای آفریقا با سلاحهای کدام کشور بر روی مردم آتش میکشایند. در متن هیچ یک از این گزارشات خبری پیدا نمیکند. اینکه چرا در چنین کانونهای پرتلاطم و بی ثباتی اثری از نیروهای حافظ صلح سازمان ملل نیست، ذهن هیچ رسانه باشرقی را مشغول نمیکند. انسانها در این مناطق به گونه ای دیگر تعریف شده اند. در بسته ها و قالب های دیگری بسته بندی شده اند. جنگ و کشتار و نسل کشی و سر بریدن مردها و بچه ها و تجاوز و خشونت جنسی به زنان در این مناطق را به رکن ثابت زندگی این انسانها در این مناطق تبدیل کرده اند. آگاهانه و عامدانه و با خشن ترین و بیرحمانه

ترین شیوه ها راه خروج میلیونها انسان در این مناطق را از موقعیت قربانی شدن سد کرده اند. اینجا تنها جزو معدود نقاط کره زمین است که انسان را به حسب نژاد و قبیله و مذهب اجدادیش تعریف میکنند. بی توجهی به مهمترین و گسترده ترین فجایع انسانی روز جوامع بشری اتفاقی نیست. هدفمند و نقشه مند است. هدف اساسی تر، تحمیل کردن یک عقب گرد سیاسی و سقوط فرهنگی و اخلاقی از ارزشها و حقوق انسانی است. جامعه را به دندانهای تیز شونیسیم و راسیسم و تعصبات ارتجاعی و مذهبی میسپارند تا شبخ فروریزی این آوارها را بر سر بشر در کل دنیا قرار دهند. مردم را طعمه گرگهای افسار گسیخته میکنند تا اصل رقابت فردی را به اصل حاکم بر اخلاقیات روز جامعه بشری تبدیل کنند. رسانه ها بر تمام ابعاد ستم و جنایات دسته جات اسلامی سرپوش میگذارند تا بی خبری و بی مسئولیتی را در کنج ذهن انسانها جا بندازند. اما هیچ یک از این جنایات از چشم مردم پوشیده نخواهد ماند. این سرپوشها نمیتوانند برای مدت زیادی حقایق مهم زندگی بشر را از دیده هامخفی سازند. کشف این فجایع هولناک، نسلهای آتی بشر را شرمسار خواهد کرد. شرمسار از وجود نظامی که اینهمه فلاکت و بدبختی

## کمپین ما و کنفرانس

در طی کمپینی که فدراسیون درخصوص متخصصین و سپس زنان پناهجوی متحصن به راه انداخته بود، مادر رابطه بانبروهای فعال ترکیه مخصوصاً ساندیکاها، کانون وکلا، حقوق بشر در مجلس و نمایندگان مجلس و حقوق بشر آنکارا واحزاب

وسازمانهای چپ و مخصوصاً سازمان زنان قرار گرفته و خواهان حمایت و پشتیبانی آنها شدیم. در هر دوره طی نامه های متعددی به تمام ارگانها، سازمانها، نهادها و حتی سفارتخانه ها مشکلات و شرایط محدود زیستی پناهندگان ایرانی

رامخصوصاً صدوران، آغری، حکاری اشاره مینمودیم و به افشای رژیم جمهوری اسلامی بعنوان حکومت مستبد، ضد زن، کودک آزار، مذهبی و جنایتکار پرداختیم و مورد حمایت و پشتیبانی از داخل قرار گرفتیم و با سیاست پذیرش غیر پناهندگی یون آنکارا مقابل کردیم. این روش سرمشق خیلی از پناهجویان قرار گرفت و خیلی ها از این به عنوان یک متد منطقی و عملی برای نجات خود استفاده کردند و از کارهای غیر اصولی مثل خودکشی اعتصاب غذا، لب دوزی و گوش دوختن و آسیب زدن به چشم خود پرهیز نمودند. مادر طی تحسن خودش شاهد موفقیت بسیاری از پناهجویانی که در مجاورت ما و یا تحت پوشش و حمایت ماقرار گرفتند، بودیم. صدای تحسن و اعتراض پناهجویی بطور یک جنبش پناهجویی در ترکیه اوج گرفت طوری که از هر گوشه ترکیه صدای اعتراض تحسن و مطالبات پناهجویان مطرح میگردد. مصاحبه های

متعدد با رسانه های خبری در سطح ترکیه و همزمان فشارهای بیرونی و بین المللی سازمانها و نهادهای مدافع حقوق پناهندگی، افکار عمومی ترکیه و خارج از ترکیه را به پناهجویان جلب نمود. مخصوصاً به زنان و کودکان پناهجو که آسیب پذیرترین افراد پناهجو هستند. در پیشبرد این فعالیتهای با ارزش، فریده اسدی و نازیلا محمد حسن زمانی که نماینده کمیته بین المللی علیه سنگسار و فعالین سازمان زنان و فدراسیون نقش ارزنده ای را ایفا کردند. ما اطلاع پیدا نمودیم که یون آنکارا جلسه ای را در تاریخ ۵ و ۶ و ۷ همین ماه در یکی از شهرهای ترکیه ترتیب داده و از ۴۰ سازمان از قبیل عفوبین الملل، حقوق بشر و بارو دعوت نموده که در خصوص پناهجویان و مخصوصاً زنان پناهجو نشست داشته باشند و به مشکلات پناهجویان مخصوصاً زنان پناهجو رسیدگی نمایند و یون آنکارا مطرح نمود که تعدادی از پناهجویان هستند که راه برگشت به ایران ندارند ولی در چهارچوب قوانین پناهندگی قرار نمیگیرند که در این جلسه به موارد ایشان رسیدگی و راه حل پیدا مینماییم. ما قبل از جلسه به طور خصوصی با شرکت کنندگان در این جلسه تماس گرفته و موارد محرومیت زنان ایران و ظلم و ستم زنان ایرانی را عنوان نمودیم و اینکه این پناهجویان در ایران با چه مشکلاتی روبرو بودند. اینکه چگونه در ایران مورد ظلم و ستم قرار گرفتند و همچنین بر اثر بی توجهی یون آنکارا در مصاحبه ها و سیستم برخورد غیر اصولی یون با پناهجویان و مخصوصاً با زنان پناهنده. حقوق

پناهندگان چگونه نادیده گرفته میشود. شرح دادیم که پناهندگان بر اثر پیروسی های طولانی پناهندگی دچار آسیبهای روحی، روانی و جسمی شدند و پناهنده درید و ورود خود از حقوق پناهندگی اطلاع پیدا نمینماید و وکیل مشاور در اختیار آن قرار نمیگیرد و اصلاً دلایل استیناف ورودی و پرونده بسته را عنوان نمی کنند. خواهان این شدیم که یون آنکارا در سیستم برخورد با پناهجویان روش اصولی و منصفانه تری را در پیش گیرند و اصلاً در این جلسه چرا پناهندگان نباید نماینده از خودشان داشته باشند. امروز که نتیجه جلسه را از نماینده حقوق بشر حیدر خواستار شدیم البته با حضور نازیلا، فریده، محمد خودسوز، فاطمه فرهنگی و الهام فرهنگی. نماینده حقوق بشر حیدر مطرح نمودند که درخصوص مشکلات پناهجویان بحث و صحبت زیادی گردید و به طور خاص در یک مورد بررسی شد، و طرح و پیشنهادی در خصوص اینکه پناهجویانی که مشکل برگشت دارند و نمیتوانند به ایران برگردند و در عین حال در قوانین پناهندگی نمیگنجد اقداماتی انجام گیرد و در ترکیه و در اسکان داده میشوند و از دیپورتشان به ایران جلوگیری شود و در این مورد حتی قبلاً اقداماتی شده است در مورد کیسهای ارایه داده شده عنوان کردند که پاسخ

یون این است ما اصلاً با فریده و نازیلا کاری نداریم اینان پرونده بسته مطلق هستند ولی در مورد فاطمه فرهنگی بررسی میکنیم پناهجویان نسبت به طرح پیشنهادی یون آنکارا و جلسه مذکور اعتراض نمودند اعلام نمودند که اگر به مشکل اساسی ما رسیدگی نشود دوباره به اعتراض و تحسن دست خواهیم زد. و چند سوال



## رادیو و تلویزیون کانال جدید شروع بکار کرد

برنامه تلویزیونی

فدراسیون در

کانال جدید

آغاز به کار کرد

ماهواره: تل استار ۱۲

فرکانس: ۱۹۲۷۹

کانال جدید هر شب

از ساعت ۸ تا ۱۰

برنامه پخش می کند

اف ای سی: ۲۸۳

پلاریزاسیون: افقی

همبستگی، صدای اعتراض

و مبارزه پناهجویان را

تکثیر و پخش کنید!

ما مردم آزادیخواه و سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی را به شرکت در اعتراضاتی که واحد آلمان فدراسیون سازمان داده فرا می خوانیم. در این اعتراضات شرکت کرده و دولت آلمان و سیاستهای ضد انسانی را افشا کرده و از این طریق دولت آلمان را تحت فشار گذشته تا سیاستهای ضد پناهندگی اش را پس بگیرد. فدراسیون همین جا به میلاد فیروزبخش اعلام می کند با تمام توان خود وی را مورد حمایت قرار می دهد و تا جواب نهایی به پرونده وی امر پیگیری این مسئله را در دستور خود قرار داده است.

### همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد آلمان

۱۷ مه ۲۰۰۴

میباشند. یک زن در ایران از هیچ امنیتی برخوردار نیست نه در محیط خانواده و نه در جامعه و نه در جایگاهی در حقوق مدنی دارد. و نه در عرصه کار و فعلیت اجتماعی جایگاهی دارد. من یک عکاس و فیلمبردار حرفه ایی بودم و هنگامیکه برایمان مجوز کار صادر میکردند تعهد میگرفتند که در مراسمی شئون اسلامی رعایت نمیشود فیلمبرداری نکرده و حتی جاسوسی نموده و به نیروی انتظامی اطلاع دهیم. البته من هرگز زیر بار چنین عمل ارتجاعی و ضد انسانی نرفتم. اما سایه ترس و وحشت بالای سرمان همواره در حرکت بوده که مبدا نیروهای انتظامی سر برسند و عروسی را بهم زده و مجوز کارمان را باطل کنند. و ما را مورد بازخواست و اذیت و آزار قترار دهند تمامی قوانین در ایران بر علیه زنان میباشد حتی یک زن نمیتواند تقاضای طلاق کرده و یا در صورت جدایی سرپرستی فرزندان به مرد واگذار میشود. تمام فرهنگ و سنت ها نیز بر علیه زن است. و مردسالاری حاکم بر خانواده بستگان همسر بسیار مذهبی و وابسته به رژیم بودند. ← 6

### تنها بجرم زن بودن

(EKB) در بخش رادیویی ترکیه یک مصاحبه زنده بنام صفحه سوم دارد که روزهای چهارشنبه بعدازظهر ساعت ۷ بطور زنده اجرا میشود این هفته از نازیلا محمد حسنی زمانی دعوت شد که در یک برنامه یکساعته شرکت و به سوالات مجری برنامه پاسخ دهد. و همچنین پاسخگوی سوالات شنوندگان رادیو باشد.

سوال: شما یکی از زنان هستید که بدلیل زن بودنشان مورد ظلم و ستم قرار میگیرند مانند آپارتاید جنسی استفاده جنسی استثمار جنسی مردسالاری سنت ها و فرهنگهای حاکمی که سلامتی روحی و جسمی زنان را تحت الشعاع قرار میدهد فشار و ظلم و ستمی که فقط بدلیل زن بودنشان بر آنها وارد میشود. و بیحقوقی کامل و نیمه انسان خواندنشان مجبور به ترک کشورتان شدید ما از شما میخواهیم که نوع زندگی خودتان را در ایران برایمان تعریف کنید

جواب: من نمیخواهم فقط از خودم سخن بگویم چون صدای من صدای میلیونها زن ایرانی است که تحت ظلم و ستم



میلاد فیروز بخش

روز شنبه ۸ مه مجید عباسی، منوچهر آشوری و بهرام نظری نیا از مسئولین فدراسیون به ملاقات میلاد در هایمی در ۱۰ کیلومتری مرز هلند رفته و گزارشی از وضعیت وی تهیه میکنند. میلاد اعلام کرده که پولی برای خرید ندارم و دیگر نمی توانم از دوستانم قرض کنم دست به اعتصاب غذا می زنم و از روز جمعه ۷ مه وی دست به اعتصاب غذا میزند.

مسئولین فدراسیون در توضیح و تشریح سیاستهای فدراسیون خواهان این شدند که میلاد اعتصاب غذای خود را بشکند و برای مبارزه علیه نابرابری و نقض آشکار حقوق پناهجویان در صف فدراسیون همراه و همزمان با ما مبارزه کند. همزمان از طرف دبیرخانه آلمان فدراسیون با سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی در دفاع از حقوق پناهندگی پناهجویان ایرانی تماس گرفته شده و همچنین پرونده میلاد فیروز بخش را در اولویت کار خود قرار داده است.

همبستگی- فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد آلمان اعلام می کند قطع کردن امکانات زیستی پناهجویان، اعمال فشارهای ضد انسانی، مجبور کردن پناهجویان به امضای فرم های سفارت رژیم، نقض آشکار حقوق پناهندگی است و مغایر با همان قوانین نیم بند کنوانسیون ژنو می باشد

رضمانعلی خواهان گزارشی از پرونده میلاد فیروزبخش شده و همچنین در مقابل این سوال آیا شما به وی از اواسط ماه فوریه پول نداده اید و وی را از امکانات برای زیستن در آلمان محروم کرده اید، آقای شيفرت در جواب به این سوال اعلام میدارد که میلاد فیروزبخش فرم سفارت را امضا نکرده و تا زمانی که این فرم را امضا نکند هیچ حقوقی به او تعلق نمی گیرد.

در این گفتگوی تلفنی نسرین رضمانعلی خواستار کتبی کردن این تصمیم اداره سوسیال و ابلاغ آن به وی شد. مسئول سوسیال در پاسخ اعلام داشت ما هیچ تعهدی در مقابل هیچ سازمانی نداریم که رسماً نامه کتبی بدهیم.

در ادامه پیگیری ماجرا مجید عباسی یکی از مسئولین فدراسیون در اداره سوسیال مربوطه حاضر شده و اعلام می کند که از طرف فدراسیون آمده و می خواهد نامه ای را که بر اساس آن چرا و چگونه به میلاد فیروزبخش حقوق تعلق نمی گیرد را دریافت کند. مسئول سوسیال اعلام می کند که این به ما مربوط نبوده و به اداره خارجی ها مربوط است. مسئولین سوسیال در ادامه اعلام داشتند که ما از اداره خارجی ها دستور گرفته ایم که به میلاد پولی ندهیم و امکانات زیستیش را محدود کنیم تا از این طریق فرم سفارت را امضا کند.

### گروگانگیری از نان

روز پنجشنبه ۵ ماه مه یک پناهجوی ایرانی به نام میلاد فیروزبخش طی یک تماس تلفنی با مجید عباسی یکی از مسئولین فدراسیون در منطقه نوردراین و سئفالن تقاضای کمک برای جلوگیری از برخورد مسئولین شهرداری و اداره خارجی ها در پروسه پناهندگی اش به وی کرد. مسئولین فدراسیون برای روشن کردن مسئله به محل اقامت پناهجوی ایرانی در نزدیکی مرز هلند رفته تا با ایشان از نزدیک دیدار و ملاقات نمایند. بر اساس گزارش مجید عباسی این پناهجو که بیش از ۲ سال نیم است در آلمان زندگی می کند، تقاضای پناهندگیش رد شده. در ماه فوریه امسال به وی اعلام می شود که باید فرم سفارت جمهوری اسلامی را پر کند تا مسئولین دولت آلمان در مورد وضعیت وی تصمیم بگیرند. میلاد فیروزبخش از امضای این فرم خودداری کرده و اعلام داشته امضای این فرم یعنی حکم اعدام من و تحت هیچ شرایطی حاضر به امضای این فرم نیستم. اداره سوسیال شفاها به میلاد اعلام می کند تا فرم را امضا نکند به وی هیچ گونه امکاناتی و کمک هزینه نقدی برای زندگی تعلق نخواهد گرفت. در طول این مدت میلاد از دوستانش پول قرض میکرد. هفته گذشته آخرین سکه های میلاد تمام شده هیچ پولی برایش نمیمانند. میلاد بدینگونه چندین روز حتی پول برای خریدن نان خالی هم نداشته و این مسئله عدم داشتن مایحتاج زندگی وضعیت جسمی وی را بشدت بخطر می اندازد روز پنجشنبه هفته گذشته طی یک تماس تلفنی با مسئول سوسیال شهر وی آقای شيفرت، نسرین

## مدالی برای اسلام سیاسی

در حاشیه مراسم سخنرانی شیرین عبادی در دانشگاه تورنتو کانادا

جمعه 7 ماه می دانشگاه تورنتو - مراسم اهدای دکترای حقوق به شیرین عبادی بانوی صلح ایران پایان یافته است. شرکت کنندگان در مراسم طی تشویق های هیجان زده و دست زدنهای ممتد دکتر شیرین عبادی را به خارج از سالن بدرقه میکنند. بسیاری از آنها مایل هستند این سفیر انسانیت را دست کم برای دقایقی میان خود داشته باشند و خارج از مراسم رسمی کلامی از او بشنوند و ابراز محبت کنند، اما برگزارکنندگان ظاهراً به دلایل امنیتی این دقایق را در برنامه ستاره صلح ایران نگنجانیده اند. تمجیدها بسیارند اما انتقادات نیز قابل اغماض نیستند. انبوه جمعیت پس از خروج از سالن Convocation (محل برگزاری مراسم) هنوز پراکنده نشده است. به مرد جوانی که همراه با خانمی با حجاب کامل از سالن خارج میشود نزدیک میشود. علت حضورشان در مراسم را میپرسم میگوید: «من و همسرم مسلمان و به مسائل حقوق بشر حساس هستیم. مانند غالب ایرانیان به ایرانی بودن برنده صلح نوبل و به مسلمان بودن او افتخار میکنیم. زحمات بسیار او در جهت احقاق حقوق تضییع شده برایمان از جایگاه والایی برخوردار است، اما برای من يك سؤال بزرگ ایجاد شده و آن اینکه چرا خانم عبادی اینقدر بر اسلام و سخنیته آن با حقوق بشر تاکید دارد؟ مشکل اصلی ما ایران است که حکومتش چه بخواهیم یا نه با اتکا به يك تعبیر خاص از اسلام به سرکوب وحشیانه حقوق

بشر میپردازد. تاکیدات مکرر خانم عبادی بر اسلام و بدون اشاره به ایران که حکومت آنجا هم ظاهراً سنگ اسلام را به سینه زده و از دیدگاه به ظاهر اسلامی به نقض حقوق بشر در آمریکا انتقادات شدید میکند، میتواند شبیه برانگیز باشد.»

فرد دیگری که خود را استاد دانشگاه معرفی میکند، میگوید: «خانم عبادی قبل از اینکه صلح نوبل را از آن خود سازد فعال حقوق زنان و کودکان در ایران بود، حال چگونه او پرچم رفرم در اسلام را بلند کرده است. او نه به خاطر فعالیتها علمی و تئوری در زمینه رفرمیزه کردن اسلام، بلکه به دلیل تلاشهای پیگیرانه اش در جهت احقاق حق کودکان و زنان تجلیل شده است.»

جوان دیگری که دانشجوی دوره دکترا در دانشگاه لندن انتاریو است، میگوید: «سخنرانی بالانس بود و طبیعتاً با ملاحظاتی انجام شد که قابل فهم است.» میپرسم چه ملاحظاتی؟ فرد دیگری که در کنار او ایستاده است میگوید: «بله من هم موافق هستم، اینکه طی 40 دقیقه سخنرانی (45 دقیقه زمان ترجمه را نیز دربرمیگرفت - خ ش) خانم عبادی يك بار هم نام ایران را نبرد به عنوان مصلحت برداشت میکنم، اما برایم قابل درک است.»

روبروی در خروجی سالن سخنرانی يك گروه متشکل از 20-15 نفر با در دست داشتن چندین پلاکارت و پوسترهایی با تصاویر صحنه های اعدام در ایران در حال شعار دادن علیه جمهوری اسلامی ایران هستند. زنی سیاهپوش با حجاب کامل اسلامی در حالی که زنجیرهای سبلیک بر پیکر دارد

بلندگویی معترضین را در دست گرفته است و با هیجان به شعار دادن مشغول است. بقیه شعارهای او را تکرار میکنند. تقریباً به تعداد تظاهرکنندگان افراد پلیس در محل حضور دارند. به سویی یکی از تظاهرکنندگان میروم و با او وارد گفت و گو میشوم. خود را معرفی میکند: «مینو همیلی هستم. دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان شعبه کانادا و در عین حال یکی از کادرهای حزب کمونیست کارگری هستم. چندین سال از بهترین سالهای عمرم را در سیاه چالهای جمهوری اسلامی گذراندم.»

به طور مشخص علیه چه چیز و چه کسی اعتراض میکنید؟

- اعتراض من به دولت کانادا و به این دانشگاه است که محل علم و دانش است و به اسلام سیاسی جایزه میدهد. اینها به اسلام سیاسی مدال میدهند. به اسلام سیاسی دیپلم افتخار هدیه میکنند. در روز روشن سیتی زن کانادا خانم زهرا کاظمی را در ایران میکشند و آب از آب تکان نمیخورد.

شما الان به فردی اعتراض میکنید که رسماً دفاع از حقوق خانواده زهرا کاظمی در ایران را به عهده دارد...

- بله به این نکته هم میرسم. بگذارید ابتدا تاکید کنیم که اعتراض ما در درجه اول به دولت کاناداست که میخواهد به اسلام سیاسی رسمیت بدهد؛ تشکیل دادگاه های شرعی در کانادا که طرح آن ارائه شده و تقریباً تصویب هم شده است، دلیل ما بر این مدعاست.

آیا به عقیده شما دولت کانادا در حال بنیادگذاری نوعی جمهوری اسلامی؟



ان را نادیده بگیرد. اما او میخواهد بگذارد، من میگویم اینها میخواهند به اسلام سیاسی رسمیت بدهند. آیا شما خانم عبادی را سمبل اسلام سیاسی میدانید؟

- جایزه خانم عبادی سیاسی بود. این جایزه برای نجات اسلام بود. هدف آن دادن يك چوب زیر بغل به جمهوری اسلامی بود. آنها خود باور کرده اند که رفتنی هستند و این آخرین تلاش دول غربی بود که آنها را حفظ کنند. آنها میخواهند قساوت را در لبخند عرضه کنند.

به سؤال من پاسخ ندادید؟ آیا شما شیرین عبادی را سمبل اسلام سیاسی میدانید؟

- خانم عبادی دقیقاً مدافع اسلام سیاسی هستند. و برای نجات اسلام سیاسی قدم برمیدارند. یعنی چیزی بیشتر از سمبل هستند. کوشش های چندین ساله خانم عبادی در جهت احقاق حقوق بشر در ایران را چگونه مبینید؟

- به نظر من خانم عبادی در چارچوب جمهوری اسلامی کار و تلاش کرده است و هیچ کس نمیتواند

ان را نادیده بگیرد. اما او میخواهد بگذارد، من میگویم اینها میخواهند به اسلام سیاسی رسمیت بدهند. آیا شما خانم عبادی را سمبل اسلام سیاسی میدانید؟

- بوش و انگلیس هم تعرض میکنند.

آیا به نظر شما عملکرد رئیس جمهوری جرج بوش و شیرین عبادی در يك ردیف قرار دارند؟

- بله! به نظر من آنها در يك مسیر قرار دارند. چرا که هر دو برای حفظ اسلام سیاسی و نجات جمهوری اسلامی برخاسته اند.

خانم همیلی از شما متشکرم

## تنها بجرم زن بودن

و سالهای سال مرا مورد آزار و شکنجه قرار میدادند حتی مرا در چهار دیواری خانه نیز مجبور به پوشیدن حجاب اسلامی میکردند. و سیطره سنگینی بر زندگی شخصی و خصوصی ام انداخته بود. من در طی سالها تنش و کشمکش نهایت سلامت روحی را از دست داده و دچار افسردگی شدید شدم و تحت درمان قرار گرفتم.

**سوال:** زنان در مقابل اینهمه ظلم و تحقیری که از طرف رژیم اسلامی به آنها میشود چه کاری انجام میدهند؟ **جواب:** بخشی از زنان به اینهمه فرهنگ و سنت های ارتجاعی و مذهبی تمیکن میکنند. و با همان فرهنگ خو گرفته و بزرگ میشوند. و در رویایشان به امید بهشت آن دنیا این وضع را تحمل میکنند. بعضی هم مانند من این وضع را قابل تحمل ندیده که اشکال بروز آن فرق میکند. بعضی دچار بیماریهای جسمی و روحی شده و دچار افسردگی میشوند و عده زیادی به عصیان و اعتراض رو میاورند و نارضایتی های خود را به اشکال مختلفی مانند قانون شکنی بی توجهی به سنت ها عرفهای ارتجاعی در جامعه و در نهایت پیوستن به صفوف معترضین سیاسی و شرکت در تظاهرات و فعالیتهای سیاسی نشان میدهند. **سوال:** چطور تصمیم گرفتید کشورتان را ترک کنید؟ این جسارت را چگونه پیدا کردید؟ **جواب:** حدود یکسال بیمار بودم و دیدم که دیگر قادر نیستم به آن زندگی جهنمی تن بدهم و مانند در آنجا برابر با مرگ و نابودی تدریجی برایم بود. سرنوشت و زندگی فرزندانم و آینده فرزندانم نیز برایم اهمیت

پیدا کرده بود باز اینرو تصمیم گرفتم کشور را ترک کنم.

**سوال:** در مورد نحوه ورودتان به ترکیه و ادامه زندگی در اینجا توضیح دهید؟ **جواب:** پس از فرار از ایران و آمدن به ترکیه در اینجا نیز با مشکلات و سختیهای بسیاری روبرو بودم. خیلی رنج کشیدم اما با تما این احوال اکنون خوشحالم که از پشت این میکروفن رادیویی میتوانم به آرامش و اعتماد بنفس کامل با شما و مردم صحبت کنم. از حقوق خودم و میلیونها زن دیگر حرف بزنم و از آنها دفاع کنم من زمانی حتی جسارت صحبت کردن و اظهار وجود در محیط خانه و خانواده را نداشتم ولی هم اکنون به یک عنصر فعال و پرتحرک سیاسی تبدیل شده ام.

**سوال:** آیا فکر میکنید در مقایسه با زنان ایران ایجا در ترکیه زنان از حقوق بیشتری بهره مندند؟

**جواب:** البته حکومت ترکیه لائیک است و کاملاً بر مبنای دین و مذهب نیست و در ترکیه قوانین مدنی کمتر رنگ و بوی مذهبی و اسلامی دارد و طبعاً زنان به لحاظ حقوقی از آزادیهای بیشتری برخوردارند. حداقل نسبت به زنان ایران مجبور به حجاب اسلامی نیستند، کابوس اعدام و سنگسار را ندارند. و غیره. اما فرهنگ ها و سنت های مردسالاری در ترکیه جان سخت تر و پایداری از ایران است. در خانواده ها زنان بر اساس این فرهنگ و سنن اسلامی تحت انواع آزارها و توهینها قرار دارند. و بنظر من زنان در ترکیه بمعنای واقعی کلمه از آزادی برخوردار نیستند. بنظر من این تنها زنان خاورمیانه و

جهان سومی نیستند که مورد ستم و تبعیض جنسی قرار دارند. در پیشرفته ترین جوامع نیز ما شاهد بیحقوقی زنان هستیم و لازم است برای آزادی کامل زنان در سطح بین المللی حرکتی صورت بگیرد. **سوال:** ممکن است کمی از مشکلاتی که با کمیساریای پناهندگان سازمان ملل در ترکیه دارید برایمان بگویید؟ **جواب:** مشکل اصلی من با این سازمان این است که این سازمان علیرغم نامش و رسالت و وظایفش در دفاع از پناهندگان به مسئله زنان پناهنده و زنان فراری از جوامع اسلامی بعنوان یک مسئله سیاسی نگاه نمیکند در صورتیکه ظلم و ستمی که در رژیم ضدزن اسلامی ایران به زنها وارد میشود اساساً سیاسی است. و بمراتب بیشتر از ستمی است که به یک فرد سیاسی یا زندانی سیاسی وارد میشود. زنان ایران به یک زندان دائم العمر با اعمال شاقه محومند. و این چیزی است که سازمان ملل نمیپذیرد. بهمین دلیل هم ما زنان پناهجو سالهاست که در بلاتکلیفی و شرایط سخت و آینده تاریک و انواع بیحقوقی ها دست و پا میزنیم ما معرفییم هر زنی که از جهنم جمهوری اسلامی فرار میکند باید بعنوان پناهنده شناخته شود. **سوال:** بعنوان آخرین سوال در کشوری که خواهید رفت چه نوع زندگی را آرزو و تجسم میکنید؟ **جواب:** آرزو میکنم که شاهد دنیای باشم که تمامی زنان در آزادی و برابری و امنیت کامل بسربرده و زندگی شاد و پویای داشته باشند. در آخر نیز میخواستم از این سازمان استقاده کنم و از سازمان زنان زحمتکش ترکیه بخاطر حمایتها و همبستگی بیدریغشان از مبارزات ما در ترکیه تشکر و قدردانی کنم.

## مروری بر بازداشتگاههای جهنمی پناهجویان (قسمت دوم)

در شماره ۱۴۶ همبستگی هفتگی قسمت اول مروری بر بازداشتگاههای پناهجویان را درج کردم. بازداشت پناهجویان و آنچه که بسر پناهجویان بازداشتی در بازداشتگاهها و زندانها میروند عموماً از دیده انظار مخفی مانده و کمتر میدیا و رسانه های گروهی در غرب به این موضوع پرداخته اند. از سوی دیگر رفتار مأموران دولتی و شرایط بازداشتگاهها و نوع برخوردی که با این پناهجویان میشود خود گوشه کوچکی از عمق ستمها و بیحقوقیهایی که بر پناهجویان میروند را فاش میسازد. در قسمت اول این مطلب، مروری داشتیم بر زندانهای پناهجویان در اروپای غربی که بعنوان نمونه بازداشتگاه پناهجویان در آلمان را بررسی کردیم. در این قسمت توجه شما را به وضعیت بازداشتگاههای پناهجویان در بریتانیا جلب میکنم. بازداشتگاههای پناهجویان در بریتانیابیش از ۲۰۰۰ پناهجو در بازداشتگاههای بریتانیا بسر میبرند. این پناهجویان بدون هیچ دادگاهی و بدون هیچ مدت زمان معینی و بدون حق پرداخت وثیقه و ضامن، با یک آینده مبهم در بازداشت میباشند. دولت بریتانیا در حال حاضر درحال بازگشایی مراکز بازداشتی دیگر با گنجایش ۴۰۰۰ نفر است. عمده ترین بازداشتگاههای بریتانیا عبارتند از: تینس لی، کمپسفیلد، راجستر، لیورپول، بلمارش، لیندهالم، هارماندس ورد، یارلسن وود، دون گاول، داور، و هسلار. پناهجویان بازداشتی در این بازداشتگاهها عمدتاً شامل پناهجویانی است که بطور غیر قانونی وارد

بریتانیا شده و درخواستهای پناهندگی شان توسط اداره مهاجرت بریتانیا رد شده است. البته در بین پناهجویان بازداشتی هستند پناهجویانی که بطور قانونی وارد شده یا کسانی که مدت اقامت ویزایشان گذشته و بطور غیرقانونی در بریتانیا مانده اند. اکثر این پناهجویان در بازداشتگاهها منتظر دیپورت میباشند. تنها تعداد محدود و ناچیزی از این پناهجویان بازداشتی را پناهجویانی تشکیل میدهند که بدلیل کفایت و قضایی مجرم شناخته شده و محکوم به بازداشت شده اند. همه این پناهجویان بازداشتی بر اساس قانون مهاجرت بریتانیا در بازداشت بسر میبرند. بیش از یکصد پناهجو از سال ۲۰۰۱ در این بازداشتگاهها نگهداشته شده اند. نیمی از پناهجویان بازداشتی یعنی بیش از ۱۰۰۰ نفر را زنان و کودکان تشکیل میدهند. زنان و کودکان پناهجوی بازداشتی عمدتاً در بازداشتگاههای هارموندس ورد، یارلسن ورد، آکلنگتون و دون گاول نگهداری میشوند. پناهجویان بازداشتی قانوناً میتوانند با پرداخت وثیقه و ضامن آزاد شوند اما اجرای عملی آن برای پناهجویان فوق العاده دشوار و ناممکن شده است. بسیاری از پناهجویان بازداشتی هیچ دوست یا آشنا یا فامیلی در بریتانیا ندارند که بتوانند از طریق آنها امکان پرداخت وثیقه و ضمانت را فراهم نمایند. پناهجویان از دریافت مشاوره های حقوقی محروم بوده و از اینرو اکثر این پناهجویان به حقوق و قوانین مربوط به بازداشت و پناهندگی

## مروری بر بازداشتگاه‌های..

آشنایی ندارند. بازداشت‌های طولانی مدت برای پناهجویانیکه برای یافتن یک سرپناه راهی بریتانیا شده اند اکثر این پناهجویان را به بیماری‌های روحی و روانی و جسمی عیدیه ای مبتلا ساخته است. بی ثباتی، نامیدی، ترس از دیپورت باعث بوجود آمدن استرس های شدیدی در بین پناهجویان بازداشتی شده است. بنا به گزارش سازمان‌های فعلا در این عرصه برخی از پناهجویان بازداشتی در کشورهای خود نیز در زندان بوده و مورد شکنجه و آزار قرار داشته اند. بیماری‌های روحی بیماری مشترک و غالب کلیه پناهجویان بازداشتی است. امکانات بهداشتی، درمانی دارویی و پزشکی ناچیزی در بازداشتگاه‌های بریتانیا موجود میباشد. به دلیل دوری این بازداشتگاهها از لندن و گران بودن هزینه های حمل و نقل، پناهجویان امکان کمتری برای ملاقات با دوستان و فامیل‌های خود دارند. نکته با اهمیت اینست که در مقابل اکثر این بازداشتگاهها کمپین‌های اعتراضی نسبتا ثابتی توسط مردم و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق پناهندگی ایجاد شده است که موفقیت‌هایی هم کسب کرده اند. جزئیات بیشتر آنرا در شرح بازداشتگاهها خواهیم دید. در زیر مروری میکنیم به برخی از این بازداشتگاهها:

### بازداشتگاه کمپسفیلد

بازداشتگاه کمپسفیلد واقع در کیرینگتون نزدیک آکسفورد در نوامبر ۱۹۹۳ گشوده شد. در حال حاضر ۲۰۰ پناهجو در این بازداشتگاه بسر میبرد. از هنگام گشایش این مرکز کمین اعتراضی وسیعی برای بسته شدن این مرکز شروع بکار کرد. در اثر فشارهای این کمپین در فوریه ۲۰۰۲ وزیر کشور وعده داد که این بازداشتگاه را خواهد بست. در حال حاضر هر سه شنبه اول ماه از ساعت ۷/۵ بعدازظهر تجمع اعتراضی در سالن شهرداری آکسفورد برگزار میشود. همچنین هر شنبه آخر ماه نیز در مقابل این بازداشتگاه تظاهرات اعتراض

آمیز برگزار میشود. آخرین خبرها حاکی از ننست که دیوید بلانکت وزیر کشور قول داده که تا اکتبر ۲۰۰۴ این مرکز را برای همیشه خواهد بست. تظاهراتها و تجمعات اعتراضی اما کماکان تا بسته شدن قطعی این مرکز ادامه دارد.

### بازداشتگاه داور

مرکز بازگردانی داور که شهر مرزی فرانسه و بریتانیا و درجوار کانال مناش میباشد، از ماه مه ۲۰۰۲ باز شد. این بازداشتگاه ۲۵۰ پناهجو را در خود جای داده است. پناهجویان این بازداشتگاه همگی منتظر تصمیم نهایی اداره مهاجرت برای ورود به خاک بریتانیا میباشند. با اعلام تاسیس این بازداشتگاه یعنی از آوریل ۲۰۰۲ توسط مردم و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق پناهندگی کمپین اعتراضی برای بسته شدن این مرکز فعالیت میکند.

### هارموندسورد این

بازداشتگاه که نزدیک فرودگاه مرزی هیترو لندن میباشد از سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز بکار کرد. بیش از ۵۵۰ پناهجو در این بازداشتگاه نگهداشته شده اند. از زمستان سال ۲۰۰۲ ساختمان دیگری برای افزایش ظرفیت میزان پناهجویان بازداشتی در دست احداث است. کمپین اعتراضی برای بسته شدن مرکز هارموندسورد از سپتامبر ۲۰۰۱ فعالیت‌های خود را شروع کرده است.

### لیندهالمن

بازداشتگاه نیز نزدیک دونکاستر در جنوب یورک شایر میباشد که بیش از ۱۱۲ پناهجوی بالای ۲۱ سال را در خود جای داده است. این بازداشتگاه از آوریل سال ۲۰۰۳ شروع بکار کرده است. در این بازداشتگاه فضای یک زندان کامل حاکم است. پناهجویان ملزم به پوشیدن لباسهای مخصوص زندانیان بوده و با آنها دقیقا مانند زندانیان کیفری برخورد میشود. گزارشات رسیده از این بازداشتگاه حاکی از آنست که در این زندان امکانات غذایی و دارویی و درمانی

## یارلزوود این

بازداشتگاه که از نوامبر سال ۲۰۰۱ در نزدیکی برفارد ایجاد شده ۹۰۰ پناهجو را در خود نگهداشته است. این بازداشتگاه در واقع بزرگترین بازداشتگاه پناهجویان در بریتانیاست.

## آوینگتاین

بازداشتگاه در کبریج شایر از ماه مارس ۲۰۰۰ گشوده شد. تعداد ۴۰۰ پناهجو از زن و مرد و کودک در این مرکز نگهداری میشوند. برای بسته شدن این مرکز نیز کمپین اعتراضی بنام کمبریج چایر علیه بازداشتگاه پناهندگی فعالیت میکند.

## روی خط همبستگی

### از میان نامه ها:

#### شرایط پناهندگی برای دوجنسی‌ها

فرشاد عزیز من یک دانشجوی دوجنسی (ترانسکشول) هستم از ایران. مشکلات اجتماعی و حقوقی زیادی دارم. زندگی در این شرایط برایم غیرقابل تحمل شده و میخواهم از این وضع نجات پیدا کرده و در یک کشور امن اروپایی یا آمریکایی پناهنده بشم. لطفا توضیح دهید که آیا من میتوانم براساس این مشکلاتم درخواست پناهندگی بدهم. شرایط پناهندگی در اروپای شمالی، فرانسه، آمریکا و کانادا چگونه است؟

دوست عزیز شما میتونید در هر کشوری که مایل باشید درخواست پناهندگی دهید. اما با توجه به شرایط سخت پناهندگی در اکثر کشورهای پناهنده پذیر توصیه میکنم که قبل از ورود و ارائه درخواست پناهندگی با مسئولین فدراسیون در کشوری که میخواهید درخواست پناهندگی دهید حتما تماس گرفته و از آنها مشاوره های حقوقی لازم را دریافت کنید. آدرس، تلفن و ای میل مسئولین شهری و کشوری کلیه واحدهای ما در سایت همبستگی ([www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)) و در قسمت تماس با موجود میباشد. موفق باشید. ف.ح.

### دعوت به کنفرانسهای مهم از فدراسیون

دعوت به کنفرانس جهانی علیه راسیسم فرشاد حسینی عزیز، از طرف کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل بدینوسیله از شما برای شرکت در کنفرانس جهانی سازمانهای غیردولتی علیه راسیسم و تبعیض نژادی دعوت بعمل میاید. لطفا برای شرکت در این کنفرانس یک گزارش سالانه در خصوص تبعیض نژادی و فعالیت‌های خود در زمینه مبارزه با تبعیض نژادی را برای ما ارسال کنید. ما منتظر دریافت گزارش شما خواهیم بود. شما و سازمانتان همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی را ترغیب میکنیم تا فعالانه در این کنفرانس شرکت نمایید. با احترام از طرف کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل

دعوت به کنفرانس اروپایی علیه راست جدید افراطی آقای حسینی عزیز! همانگونه که مطلعید راست جدید افراطی و ایده های ارتجاعی آن مدتی است که نه تنها در بین احزاب سیاسی افراطی که حتی در دانشکده ها کانونهای مهم و اصلی سیاسی جامعه نیز نفوذ کرده است. جنبش راست افراطی جدید در سراسر اروپا سیمای متفاوتی از خود نشان داده است. یکی از این چهره ها "راست جدید" است. چگونه میتوان در جامعه اروپا با این راست جدید مقابله کرد؟ چگونه میتوان مردم را در تقابل با آن بسیج کرد؟

ارتباط این راست جدید با سیاستهای اتحادیه اروپا علیه مهاجرین و پناهندگان در چیست؟ برای مبارزه با این گرایش از چه متدها و کمپنهایی باید بهره گرفت؟ اینها موضوعات مهم مورد بحث ما در این کنفرانس اروپایی است. ما از شما و سازمان شما دعوت میکنیم که در این کنفرانس که در اواخر ماه ژوئن در آلمان برگزار میشود شرکت نموده و دیدگاهها و نظرات خود را با ما در میان بگذارید. شایان ذکر است که ائتلاف علیه راسیسم یکی از بزرگترین سازمانهای ائتلافی در اروپاست که ۵۶۰ سازمان عضو دارد. در کنفرانس سال گذشته ما ۷۸ نفر از ۳۲ کشور از اسپانیا تا روسیه، و از ایرلند تا قبرس در آن شرکت داشتند. در این کنفرانس ما ضمن تبادل نظر و تجارب و تخصص های خود تلاش میکنیم که با کمک هم شبکه قدرتمندی را علیه راست جدید در اروپا سازمان دهیم. لطفا برای شرکت در کنفرانس فرم ویژه ای که برایتان ارسال شده را پر نموده و در اسرع وقت برای ما ارسال کنید. با احترام ائتلاف علیه راسیسم

### دیوار بی سقف اداره مهاجر

سعیده عساری از سوئد

ابتدا که قلم به دست گرفتم. آنقدر ناراحت و ناامید بودم که اسم مقاله ام را "آخر خط پناهندگی" تعیین کرده بودم. اما هر چه بیشتر به نوشتن ادامه دادم در انتخاب اسم آن به تردید افتادم. تردید از این جهت که فکر کردم نامهای دیگری هم میتوان بر آن نهاد. عنوانی که گویای لگندمال شدن حرمت انسانی ام در رژیم جمهوری اسلامی ایران و پایمال

شدن حقوق پناهندگی ام در اروپا باشد. خواستن یک جامعه آزاد و سکولار، جامعه ای مرفه، برابر و بدون تبعیض جنسی نه خواسته زیادی است و نه بزرگ و دست نیافتنی. که رژیم ننگین جمهوری اسلامی ایران ۲۵ است که به عنوانهای مختلف یا قربانی میگردد یا زن و مرد و کودک و جوان و غیره راجبور به قدم نهادن در راه دشوار و پر از موانع پناهندگی می سازد. انسانهایی که جهت افشاء چهره آپارتاید جنسی و ماهیت سرا پا ضد زن، ضد کودک، ضد جوان و ضد انسانی جمهوری اسلامی فی نفسه میتوانسته و میتواند جانشان را بطور جدی در معرض خطر شکنجه و اعدام قرار دهد. این انسانهای آزادیخواه طناب اعدام مذهب را به دلیل کمونیست بودنشان بالای سر، اسلحه آماده به شلیک رژیم رابه دلیل افشاگری روبروی خود و افعی های زهرآگین سنت رازیر پای خود در ایران و تیغ برنده خنجر نسبیت فرهنگی را از سوی دولتهای پناهنده پذیر در پشت خود دارند. با توجه به اینکه در خارج از کشور نیز از سیاستهای ضد انسانی به دلیل روابط اقتصاد و سیاسی در امان نبوده و همچنان مورد شکنجه روحی قرار دارند. برای باز پس گیری حقوق از دست رفته و باز پس گیری حرمت انسانیمان با هم و دست در دست هم در ظرف تشکیلاتی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی گرد آمده و مبارزه خواهیم کرد. به امید سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران.

### مرگ بر جمهوری اسلامی

ایران، زنده باد آزادی،

زنده باد برابری

### پناهنده :

#### مجید آرام از آلمان

تعداد زیادی از ایرانیان بدلیل مختلف سیاسی اجتماعی که در ایران حاکم است، مجبوره فرار از ایران شده و بطرف کشورهای پناهنده پذیر میروند. حالا چه مسابلی به دنبال این فرار برای آنها پیش میاید معلوم نیست. بعضی ها با شرایط خیلی سخت و دشوار به همراه خانواده شان از راه های گوناگون وارد کشورهای مختلف میشوند، که یکی از این کشورها آلمان است. در اینجا پناهنده ها در محلهایی قرار می گیرند که گاهی تحملش برای افراد خیلی سخت است و دچار بیماریهای روحی و روانی می شوند. حالا سوال این است که چرا فشار بر پناهنده ها افزایش یافته است. آیا این نتیجه فشار رژیم جمهوری اسلامی خونخوار و همکاری این رژیم با دولتهای پناهنده پذیر نیست؟ رژیمی که سعی میکند دامنه ظلم و ستم و سرکوبش را حتی به اروپا رسانده و در اینجا نیز مردمی را که از دست ستمها و سرکوبهای فرار کرده اند باز هم تحت فشار روحی بیشتر قرار بدهد. برخی از جوانان پناهنده تحمل این سختیها را نداشته و ناخواسته به طرف مواد مخدر رفته و دچار اعتیاد میشوند. برخی نیز زندگی را در تیرگی و تباهی سپری می کنند. هیچکدام از این پناهجویان قادر به بازگشت به کشورشان تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیستند و مجبورند بهر شکلی که شده و در تحت هر شرایطی اینجا بمانند. واقعا جرم ما انسانهایی که جمهوری اسلامی را نخواسته و برای همین هم در اروپا پناهنده شده ایم چیست؟

ما پناهنده هستیم یا مجرم؟ آیا پناهنده شدن جرم است. آیا تقاص جنایتهای رژیم اسلامی را ما باید پس بدهیم؟ اگر نخواستن جمهوری اسلامی را حق خودمان میدانیم، اگر فرار از جهنم جمهوری اسلامی را حق هر کسی میدانیم که میخواهد در جایی امن تر و فارق از ستم و تبعیض اسکان گزیند. اگر پناهندگی را حق خودمان میدانیم. باید برایش مبارزه کرد. باید متحد شد و با جنگ و دندان بدستش آورد. سازمانی که میتواند اعتراض و مطالبات ما را سازمان داده و حقوق انسانی مان را از گلوئی آنها بکشد، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی است. بیایید همه با هم متحد شده و تحت رهبری فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، جلوی زور و استبداد را به هر نوع که باشد بگیریم و اجازه ندهیم که حق ما پایمال شود. فدراسیون می تواند راه گشای این مشکلات باشد. میتواند از حقوق ما با تمام قوا دفاع نماید. میتواند هر گونه ستم و اجحافی را که بر ما روا میشود را از بین برد. به فدراسیون ببینید.

### معنای پناهندگی در کشورهای امن

با سلام خدمت خوانندگان نشری همبستگی. من امید امیدی یکی دیگر از قربانیان جمهوری اسلامی ایران که فقط برای عقیده فکری نسبت به برابری و آزادی بهائی بس سنگین پرداخت کردم. دو برادر و پدرم جلوی چشمانم کشته شد و خودم هم دو سال در بدترین شرایط ممکن در زندانهای مخوف ایران تحت بدترین شکنجهها قرار گرفتم و با بدترین شرایط زندگی خانواده دوستان خود را ترک کردم و به کشور سوئد پناه اوردم. فقط به خاطر امنیت و تامین جانی. ولی متاسفانه

بعد گذشت 17 ماه با دادن کلی مدارك به اداره مهاجرت کشور سوئد به من جواب رد داده اند. وقتی که به جواب انها دقت میکنم دقیقاً در جواب متوجه میشوم بعد از حکم مرك من از طرف جمهوری اسلامی و فرار من از ایران برای بار دوم هم اداره مهاجرت کشور سوئد با جواب رد حکم را تأیید کرده است. قانونی بنام حمایت از حقوق بشر و کنوانسیون ژنو 1951 دیگر وجود ندارد و با جوابهای منفی بلحاظ ارتباط کشورهای اروپایی از نظر معاملات سیاسی و اقتصادی با ایران مانعی برسر ایران قرار نمی دهند و کسانی که واقعا مشکل دارند و از ایران خارج شده اند را به ایران د بیورت میکنند تا مشکلی برای جمهوری اسلامی حتی در خارج از کشور هم وجود نداشته باشد. این واقعا نظام سرمایه داری و تسخیر دولتها به وسیله سرمایه دولت جمهوری اسلامی ایران را نشان میدهد واقعا ادم متاسف میشود که چرا وقتی از آزادی برابری برای انسانها سخن بر زبان میاید باید به وسیله باج دهی دولت جمهوری اسلامی ایران به دولتهای دیگر صداي آزادي برابري سرگوب شود ما از سیستم جهنمی جمهوری اسلامی از اسلام سیاسی که پرده ای سیاه بر زندگیمان سایه انداخته است و زندگی را بر همگان تلخ کرده فرار کرده ایم ولی وقتی در کشوری که میخواهی خود را آزاد ببینی تا صداي خود را به گوش مردم جهان برسانی متوجه میشویم در انجا هم تحت محاصره دولت دیکتاتوری خود هستیم. آزادی برابری در کشورهای امن هم معنی ندارد چرا ..... چون نظام سرمایه داری حکم فرماست ولی ما ارام نمی مانیم و برای آزادی و برابری مردم تلاش میکنیم